

بررسی تاثیر روش تدریس کاوشگری بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی در درس علوم تجربی

سروه ظاهری، نسرين دادرس، فريبا عزيزي، روبا عبدی

۱- کارشناسی آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان مریوان

۲- کارشناسی زبان انگلیسی، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان مریوان

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی، معاون آموزشی آموزش و پرورش شهرستان مریوان

۴- کارشناسی مدیریت بازرگانی، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان مریوان

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر روش تدریس کاوشگری بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی در درس علوم تجربی می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر مریوان بودند. ابزار گردآوری شامل پرسشنامه خلاقیت تورنس و همکارانش (۱۹۹۸) بود که روایی این ابزار به تأیید اساتید رسید و پایایی به روش آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که، $0/78$ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های آماری کولموگروف اسمیرنوف، همبستگی پیرسون، آزمون T همبسته استفاده گردید. نتایج نشان داد، نمره میزان خلاقیت دانش آموزان در پیش آزمون $42/60$ بود که در پس آزمون به $63/70$ افزایش یافته است و این افزایش از نظر آماری نیز معنادار می باشد ($p=0/008$). در واقع، بین آموزش به شیوه کاوشگری با میزان خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی در درس علوم تجربی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

کلید واژگان: روش تدریس کاوشگری، خلاقیت، دانش آموزان، معلمان

۱- مقدمه و بیان مساله

نظام های آموزشی همواره تلاش می کنند از شیوه ها و فنون متناسب با اصول و انتظارات برنامه های درسی، اهداف و محتوا را به درستی به مخاطبان انتقال دهند. برای نیل به این هدف مهم، معلمان از نقش بی بدیلی در نظام آموزشی برخوردارند، اگر آنان از فرایند علمی و منطقی آموزش مطلع نباشند و برای تحقق اهداف از شیوه هایی نامتناسب بهره بگیرند، همه فعالیت های تعلیم و تربیت بی ثمر خواهد بود. تعلیم و تربیت در دنیای امروز مفهومی متفاوت با گذشته دارد و ضروری است برای ایجاد تحول در نظام آموزشی، علاوه بر ایجاد تحول در خرده سیستم های مختلف، در نگرش و تدریس معلمان نیز تحولاتی ایجاد شود. برای دستیابی به چنین تحولی معلمان باید دانش و بینشی صحیح از نظریه ها و راهبردهای مختلف و جدید آموزشی داشته باشند (شعبانی، ۱۳۹۶). بسیاری از صاحب نظران تربیتی مثل گودلد و سیراتینک معتقدند که فقر تفکر دانش آموزان در نتیجه حاکمیت روش های سنتی در مدارس است (به نقل از امینی، ۱۳۹۰). گرایش معلم به روش های متکی به انتقال دانش به ذهن دانش آموزان، تمایل و وابستگی آنان را به معلم افزایش داده و منجر به وخیم تر شدن مشکلات یادگیری در زمینه های محتوای گوناگون می شود (لی و بویل^۱، ۲۰۰۸). معلم نباید محتوای گوناگون درسی را به ذهن دانش آموز منتقل کند بلکه باید به او یاد بدهد چگونه یاد بگیرد. در کلاس های درسی کشور ما، روش های قدیمی به کار گرفته می شود چنانچه بخواهیم فراگیرندگان را به عنوان نیروی خلاق در آینده آماده کنیم، باید درک درستی از روش های آموزشی نوین داشته باشیم و این روش ها را با امکانات و نیازهای خویش متناسب سازی کنیم و بعد در کلاس های درسی از آنها بهرمنند شویم. سرعت رشد دانش بشری به گونه ای است که به طور مستمر قواعد نوین جای قواعد قبلی را می گیرد،

۱. Lee & Boyle